

کردونه خورشید یا کردونه مهر



نصرت الله بنجور تاش

قسمتی از تألیفات مؤلف

■ نبردهای محمد

● بنیاد استراتژی در شاهنشاهی هخامنشی

■ پرچم و پیکره‌ی شیر و خورشید

● پستاره

■ پژوهشی در فرهنگ هخامنشی



بها : صد ریال



چاپ دوم

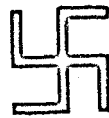


۲۱۶۹۴

گردونه خورشید

یا

گردونه مهر



نصرت الله بنجور تاش



کتابخانه مجلس شورای اسلامی



ناصر خسرو - تلفن ۳۱۲۴۲۴

✽ گردونه خورشید یا گردونه مهر
✽ بقلم: سرتیپ نصرت الله بختورتاش
۲۵۲۶ "۱۳۵۶ خورشیدی"



گردونه خورشید

یا

گردونه مهر

این نشانه  که صلیب «چلیپا» شکسته نامیده شده است، در حقیقت صلیب شکسته نیست زیرا نه تنها در کیش مسیحی بدیده احترام نگریسته نشده است، اصولاً ابعاد چلیپا بیک اندازه نیست و تنه‌ها دو خط آن با هم برابر است و بیشتر به اندام انسانی میماند که دستها را گشوده باشد. در نتیجه فاصله نقطه اتصال گردن به شانه (الف) تا تارک (ب) و نیز فاصله همین نقطه تا کف پا (ج) نمیتواند برابر باشد. لیکن فاصله‌های طرفین (افقی) که نموداری از وضع قرار گرفتن دست‌ها میباشد برابر است.



ما به این شکل  صلیب میگوئیم و اگر آن را در جهت خمیدگیهای علامت مورد پژوهش بشکنیم باین صورت  درمیآید که با این نشانه  اختلاف فراوان دارد.

گاهی نیز بعثت آنکه هیتلر این نشانه را «» در حزب نازی بکار برده و بر روی بازوان هموندان حزب و نیز سربازان SS قرار داشت، و از آن جهت که نازیها پیکاری سخت و آشتی ناپذیر را بایهودیان آغاز کرده بودند آن را «ضد یهود» خوانده‌اند.

باید دانست که این نام گذاری هم درست نیست و تنها يك اصطلاح نابجا میباشد. و از آنجا پیدا شد که: شناخت کلی این علامت با آوازه ستیزه و پیکار بایهودیان یکجا فراهم آمد و در نتیجه ذهن مردم این نام را ساخت و پرداخت. لیکن این نشانه، يك نشانه آریائی است. در ایران و هند پیشینه دارد و با احتمال بسیار قوی از ایران بر اثر ارتباط و رفت و آمدهای سیاسی، اقتصادی و تماسهای نظامی دوران باستان به یونان رفته است و سپس نازیها در دوران قدرت خود که تعصب و فلسفه برتری نژادی را میستودند، تبلیغات و آموزشهای خود را متوجه این امر کردند و باین علامت ارزش سمبولیک دادند.

خدایان بی شمار

برای انسان نخستین مشکل بود و شاید نمی توانست یا نمی خواست که بپذیرد و باور کند، مرگ يك پدیده طبیعی و نتیجه دگرگونی دستگاه بدن و سرانجام تحول زندگی است. از این رو همواره برای مرگ چه در نزد پیران و چه در نزد

جوانان معتقد به تحول قوای بدنی و واکنشهای فیزیکی نبود، بلکه بآن حالتی ماوراء الطبیعه و متافیزیکی و آسمانی میداد و همواره تیره‌های پراکنده بشر در اندیشه حفظ زندگی و ادامه حیات و در نتیجه نیازهای آدمی بوده‌اند، چنانچه وسائل مردگان، خوراك و گاهی زنان آنها را بخاك می‌سپرده‌اند.

ترس از مرگ یعنی این پدیده طبیعی، ترس از عوامل طبیعت و نیز ترس از ناشناخته‌ها و نادانسته‌ها در بیشتر موارد منشاء و پایه دین شده است. بدینسان کوههای سرکش و آتشفشان، دریاهای مواج، رودهای پرطغیان و مانده‌های آن درخور ستایش شده‌اند.

باعتماد پیشینیان نه تنها انسان دارای روح بود بلکه اشیاء و جهان خارج نیز روح داشت.

زمانی ماه که امروزه پهنه پژوهشها و کاوشهای علمی انسان بلند پرواز گردیده است، پرستش میشده و روزگار دیگری شاید آن هنگام که بشر بزندگی کشاورزی گرایش پیدا کرد و دریافت که خورشید سبب بارآوری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم کردن و نیرو بخشیدن انسان میشود، خورشید ستایش شده است. و افسانه‌های مربوط بخورشید با وضع شیرین و مناسبی با ترادادهای کشاورزی و دام‌داری در آمیخت. خورشید زمان درازی نه تنها در فراخنای آسمان حکومت میکرد، بلکه دلهای مردم را نیز تسخیر کرده و جذبه حیات آفرین و پرتوزرین و خیال‌پرور آن موجد آئین خورشید پرستی گردیده است. شیفتگی انسان در زندگی بخورشید یا الهه درخشان آسمان، بزمان مرگ نیز رسیده و بد نشانه بزرگداشت و نیایش این گوی آتشین فلک که زمانی دراز خدای بی‌رقیب آسمان بی‌پایان بوده است، انسان تنها باین اکتفا نکرده که در زنده بودن در خانه خود را رو بخورشید بسازد و یارو بخورشید نماز بگذارد، بلکه

تمایل شدیدی نشان داده است که پس از مرگ هم ارتباط خود را با خورشید بعنوان يك سنت مذهبی حفظ کند .

گورهای بسیاری دیده شده که رو بتابش آفتاب دارد و بشکل ویژه‌ای درآمده است . یعنی گورها یا خمردهائی که مردگان را در آن می‌نهادند در دوره ماقبل تاریخ و در دوره مهرپرستی (میترائیسم) از گردش خورشید پیروی کرده و بایک محاسبه دقیق و مشاهده آگاهانه در گورستانهای خمره‌ای میتوان لحظه مرگ یا زمان بخت سپردن مردگان را بدست آورد . و این آخرین نشانه تجلیل و ستایش از خورشید یعنی خدای آسمان میباشد، خدای درخشان و آتشی که هنوز با همان غرور و عظمت بر غبار پرستندگان خویش میتابد و مینگردد .

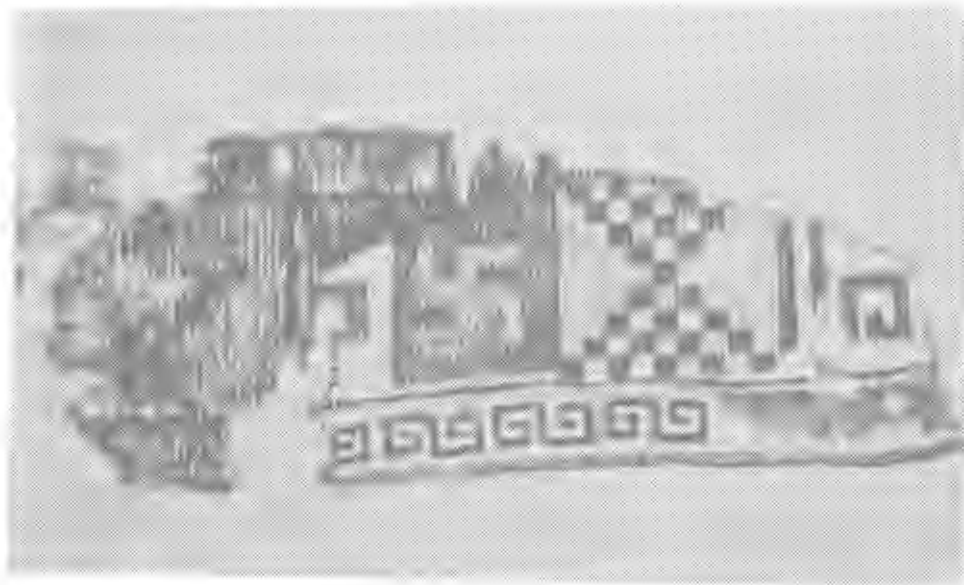
انکساگوراس «Anaxagoras» دانشمند یونانی را که عقیده داشت خورشید خدا نیست بلکه کره درخشان و آتشی است، مردم ناسزا گفتند و با او بمخالفت برخاستند و سرانجام از خانه و کاشانه و شهر خویش آواره‌اش کردند . بیشتر ستارگان ، عناصر چهارگانه ، جانوران ، رودها ، کوهها ، درختها ، حتی آسمان ، روزگاری پرستش شده‌اند؛ زیرا بعقیده مردمان یا خود خدائی توانا بوده و یا آنکه محتوی خدایان بوده‌اند . واژه زئوس «ZEUS» که خدای یونانیان باستان است بمعنی آسمان میباشد .

طلسم و جادو و سحر ، قربانیهای انسانی و حیوانی و نظر قربانیها ، همه برای آن بوده‌است که بشر خود را از هراس نیروهای ناشناخته ماوراءالطبیعه حفظ کند . آنگاه که ترس و وحشت واضطراب شدت گرفته است ، این نیروها بچهره خدایان درآمده و پرستش شده‌اند و ماحصل این پرستشها بصورت سنت‌هایی به عصر ماریسیده . بنابراین سازنده دین ، فطرت انسان است که در

کاوش و جستجو است و در برابر اضطراب و دلهره ، عواطف ، تنهایی و هراس ، پناهگاه مطمئن و جاودانه‌ای را می‌جوید و در این تکاپوی خستگی‌ناپذیر و گسترده گاه بمظاهر و نشانه‌ها که معرف و مظهر اعتقادات و باورهای و پندارهای او است دل می‌سپارد و بنایت پاک و حضور ذهن مراسمی را بجا می‌آورد .

پژوهشی در ره‌آورد کاوشگران

این علامت «卐» نخستین بار در حدود خوزستان یافت شده و مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد می‌باشد و با این ترتیب پیشینه تاریخی آن در ایران با احتمال، بسی کهن‌تر از سابقه آن نزد آریائیان هنداست و هر تسفلد Herzfeld آنرا «گردونه خورشید» نامیده است .



شکل ۱

پارچه دوره اشکانی که از گورهای خمره‌ای گرمی مغان بدست آمده است

در گرمی مغان آذربایجان گورهای خمره‌ای از دوره اشکانی بدست آمده است که در میان آنها تکه پارچه‌ای بسیار زیبا با این نقش دیده میشود . همچنین این نگاره بر دهانه پاره‌ای از خمره‌های سفالین که مرده‌ها را در آن دفن میکردند دیده شده است . وضع این خمره‌ها نشان میدهد که آنها را به شیوه‌ای در دامنه تپه‌ها و کوه‌ها در خاک می‌گذاشته‌اند که معمولاً در دامنه تپه یا کوهستان رودخانه‌ای روان بوده و دهانه خمره‌ها رو بخورشید است .

قطعه سفال خمره‌ای مربوط به دوره اشکانیان در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در گرمی آذربایجان بدست آمده است که این نقش بر روی آن بطور برجسته و زیبا دیده میشود، این سفال در نهایت استحکام و زیبایی ساخته شده و در موزه ایران باستان بشماره «۳۴۰۵» ثبت است. (شکل ۲)



شکل ۲

اخیراً با اقدامات سودمندی که در جهت عمران و آبادی طاق‌بستان کرمانشاه بعمل آمده است درحین عملیات عمرانی به آثار باقیمانده از يك ساختمان و دو گورستان خمره‌ای برخورد کرده‌اند. این خمره‌های كوچك و بزرگ كه هر يك محتوی يك جسد است بفاصله تقریباً ۵۰۰ متر از آثار تاریخی طاق‌بستان در جهت شمال شرقی قرار دارد و بطوریکه در شکل دیده میشود دهانه خمره‌ها كه هم‌اکنون نیز استخوان مردگان در درون آنها وجود دارد بسمت‌های مختلف میباشد ، زیرا از گردش آفتاب پیروی کرده است .

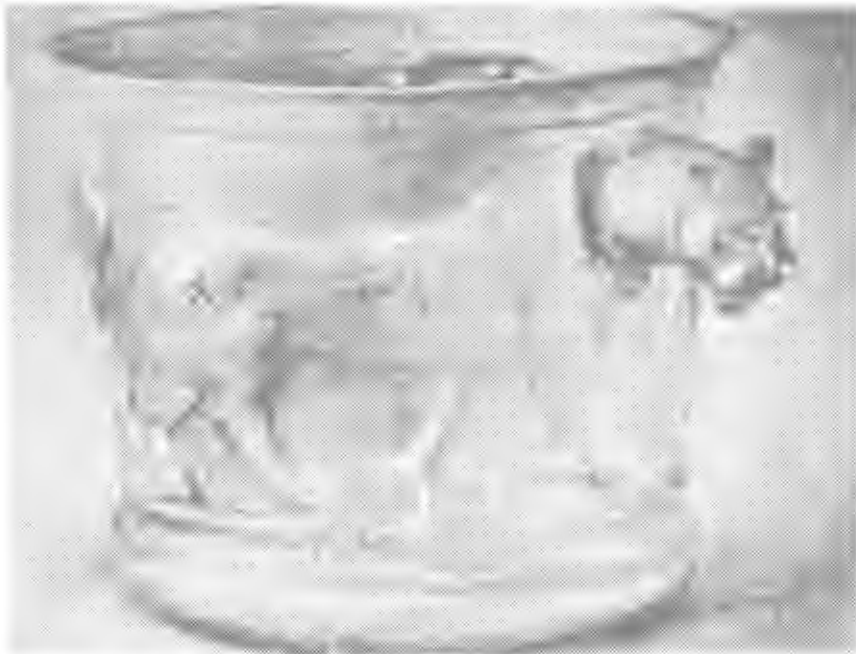


شکل ۳

گورهای خمره‌ای ، از گورستان طاق‌بستان

کیفیت گورستان نشان می‌دهد که این گورستان ممتد و وسیع است و چون مرکز مهرپرستان از شمال بشمال غرب و غرب کشور ایران بوده است، بی شک این ساختمان که در آن سنگ بکار رفته و گورستان مزبور مربوط به دوره مهر پرستی می‌باشد.

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی که کارهای ساختمانی کاخ شاهی کلاردشت پایان رسیده بود، معمار کاخ بر اثر دقت نظر متوجه می‌شود که استخر کاخ آب نگه نمی‌دارد و برای تعمیر و تکمیل استخر اقدام می‌کند. در هنگام تعمیر در کف استخر به زمین نرمی برخورد می‌نمایند که پس از کاوش در زیر آن سردابی نمودار می‌شود.



شکل ۴

شیر برجام زر کلاردشت ، نقش چلیپای شکسته بر آن شیر دیده می‌شود

کاوشهای پر دامنه در سرداب چند جسد و گنجینه‌ارزنده‌ای را ارائه میدهد. از جمله کاسه زری بدست آمده که بر آن پیکره‌های شیر که خود جانور شکوهمندی نزد آریائیها میباشد و شکل آن نماد ایرانیان است دیده میشود. در شکل

زیر بر سرین «کپل» شیرها این نقش بخوبی نمودار است

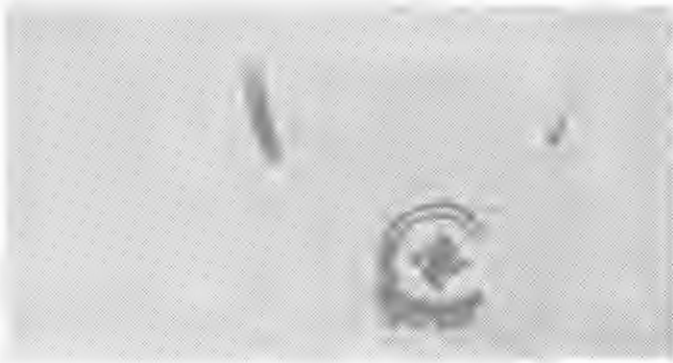


شکل ۵
جام تپه حسنلو

کاسه زرین زیبایی در روز پنجشنبه ۲۳ مردادماه ۱۳۳۷ خورشیدی در کاوشهای تپه حسنلو که در جنوب باختری دریاچه رضائیه واقع است به دست آمده که از هر نظر قابل توجه میباشد. روی این کاسه نگاره‌های زیادی دیده میشود. یکی از این نگاره‌ها نقش شیر و شیربان است. مرد شیربان افساری بر سر شیر زده و بر پشت جانور جسور و نیرومند زینی گذارده که با تسمه‌ها و سینه‌بند بسته شده، که خود معرف چیرگی انسان بر جانوران و بهره‌برداری از آنها است، و یا شاید شیر را رام کرده و بر آن سوار میشده‌اند و مانند اسب مورد استفاده بوده است. در این جام نیز بر ران شیر نقش  دیده میشود^۱.

چون این کاسه با کاسه زرین کلاردشت هم‌زمان بوده و مربوط به سده هشتم تا دوازدهم پیش از میلاد است، این خود دلیلی است بر کهن بودن این نشانه در ایران. همچنین در شوش قطعات سفالهایی بدست آمده که دارای نقش بزکوهی است و در درون خمیدگی شاخ بزکوهی این نگاره  دیده میشود. این سفالها از هزاره چهارم پیش از میلاد میباشد.

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به مجله وزارت امور خارجه شماره ۸ سال ۱۳۳۷ کاسه سه‌هزار ساله از زرناب، بقلم سید محمدنقی مصطفوی.



شکل ۶
نقش بز کوهی بر سفال^۲

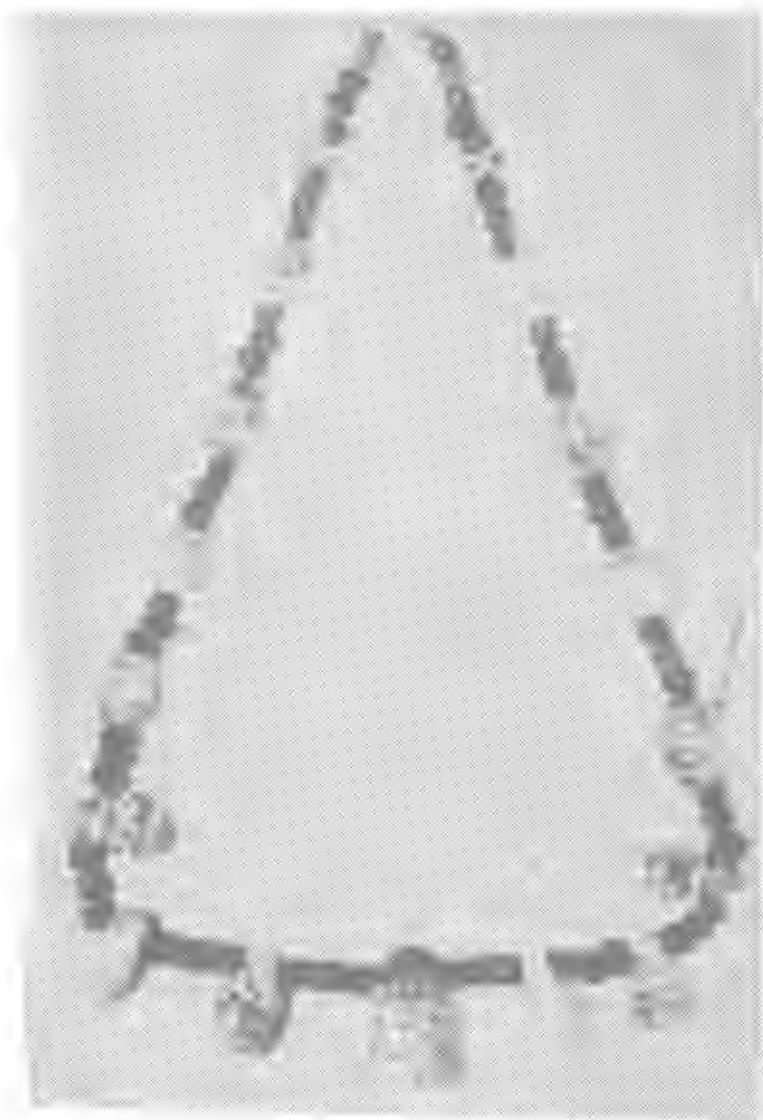
گردن‌بند عقیق زیبائی با مهره‌های ریز و درشت مربوط به دوره اشکانی در کاوشهای باستان‌شناسی سال ۱۳۴۵ خورشیدی در جوین گیلان بدست آمده که بر روی مهره‌های این گردن‌بند نقش گردونه خورشید با رنگ سفید در نهایت زیبائی و استادی باشکل هندسی منظم ملاحظه می‌شود. این گردن‌بند بشماره ۱۹۳۹۴ در دفتر موزه ایران باستان ثبت است.



شکل ۷

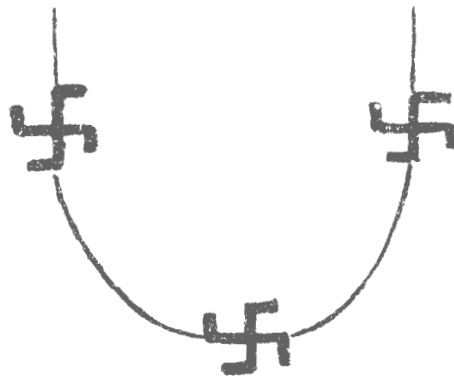
بخشی از گردن‌بند اشکانی

۲- عکس از مقاله نقش بز کوهی بر سفالهای پیش از تاریخ، غلامرضا معصومی



شکل ۷
کردنبند اشکانی

آقای شهید زاده ریاست موزه ایران باستان^۳ در کاوشهای رودبار گیلان گردن بند زرینی یافته اند که سه نقش برجسته گردونه خورشید «𐬰𐬀» از زر با فواصل منظم و دقیق در آن بکار رفته است. این گردنبند بسیار زیبا و ارزنده و دیدنی است. از ایشان خواهش کردم که عکسی از آن بمن بدهند. چون خود درباره این کاوشها کتابی در دست تهیه دارند از انجام این تقاضا پوزش خواستند، ولی چون آنرا مشاهده کرده ام طرح تقریبی آنرا تهیه و در اینجا می آورم.



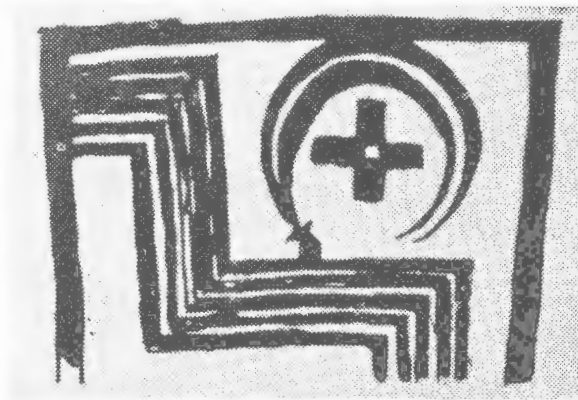
شکل ۸

طرح گردنبند یافت شده در رودبار گیلان

گردونه خورشید نخست باین شکل بوده و کم کم

خطوط منحنی حذف شده، گاه بصورت «+» و گاه با خطوط شکسته

ولی بازوایای قائم «卐» ترسیم شده و شکل هندسی و ترکیب کامل یافته است اقوام باستانی بسیاری از جانوران را می پرستیدند و از اینجا تو تمیسم Totemisme بوجود آمده است. یکی از این حیوانات بز کوهی است که مظهر سود بخش و سود رسان طبیعت: یعنی خورشید بوده است. این نقش بر ظروف بازمانده از سده های پیش از میلاد دیده شده و مهمتر از همه رابطه ای است که مردم باستانی میان هلال ماه و خورشید و شاخ بز کوهی قائل بوده اند. در بسیاری از سفالها در میان انحنای شاخ این جانور و نیز بر پشت آن نشانه + یا 卐 دیده میشود.^۴



شکل ۹

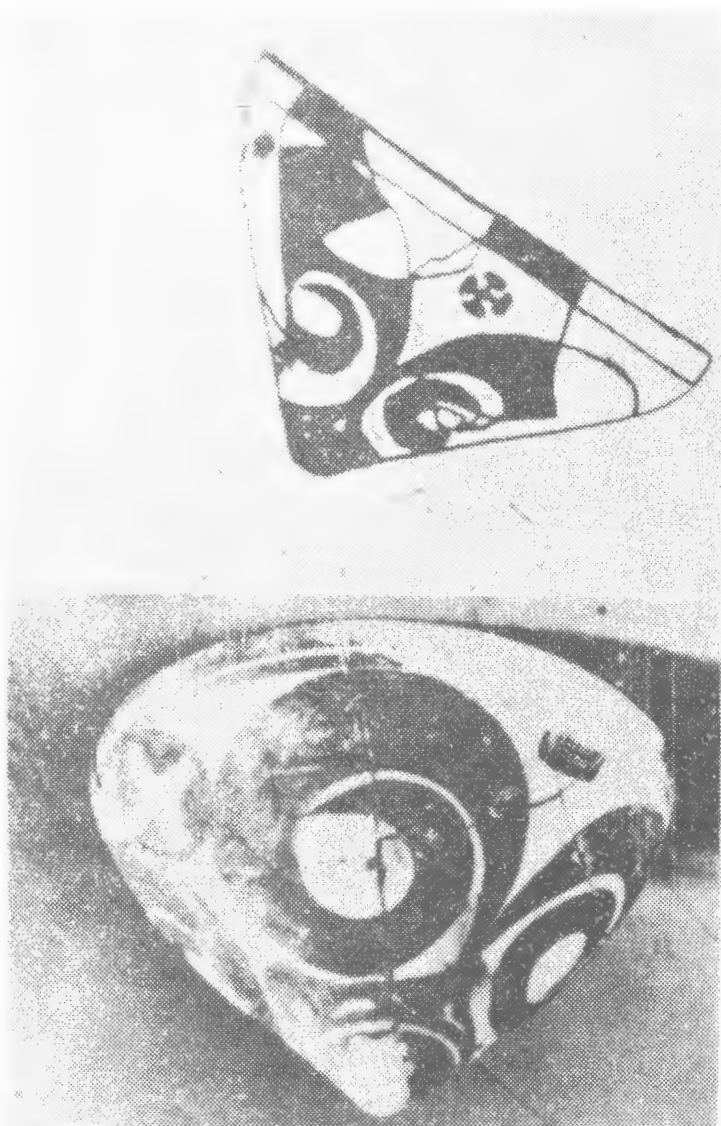
مثلا بر لیوان سفالین مربوط به ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد که در سبیلک کاشان بدست آمده است نقش —卐— در زیر انحنای شاخ گوزن وجود دارد.^۵



شکل ۱۰
لیوان سفالین

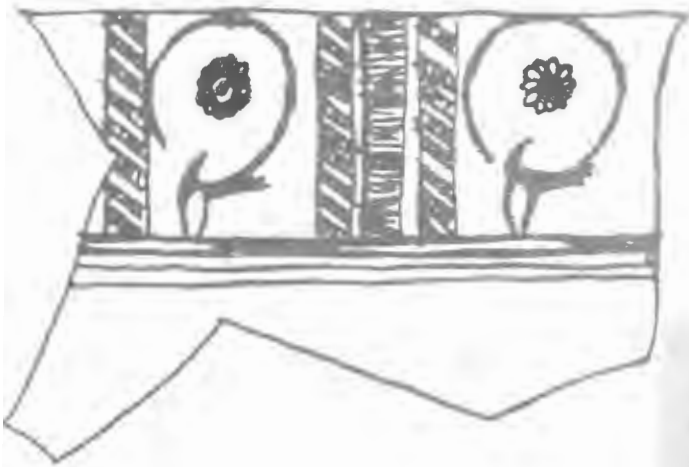
همچنین در شکل ۱۱ بر کاسه‌های سفالینی که در تل‌باکون تخت جمشید بدست آمده و مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد است نقش «**+**» بچهره‌های گوناگون دیده میشود :^۶

۶- عکس از مقاله، غلامرضا معصومی



شکل ۱۱

بر ظرف سفالی پایه داری که در تپه حصار دامغان مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد در کاوشهای سال ۱۳۱۰ خورشیدی یافت شده است، نقش بزکوهی با نشانه‌ای شبیه بستاره یا خورشید، در میان خمیدگی شاخ آن دیده می‌شود.^۷



شکل ۱۲
ظروف سفالین از دامغان



۷- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به بررسیهای تاریخی شماره ۳ سال ۱۳۴۹. مقاله نقش بزکوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران، مقاله آقای غلامرضا معصومی.

نگاهی به هند

بودا پیمبر بزرگ هندوان که در تجزیه و تحلیل درون انسان کوششها نموده است عقیده دارد که زندگی جهان با همه زیبایی و شیرینی بر پایه و اساس «درد» پی ریزی شده است و برای مبارزه با درد بایستی «خواهشها» راریشه کن کرد، درواقع راه ستیز و ایستادگی در برابر درد پیکار با خواهشها است. منشأ خواستها و خواهشها دل است. و این همان چیزی است که عرفای ما غلبه بر (نفس اماره) یا غلبه بر «نفس» گفته اند.

بودا آئین خود را بر شالوده چهار حقیقت عریان بنا نهاده و این چهار اصل عبارتند از :

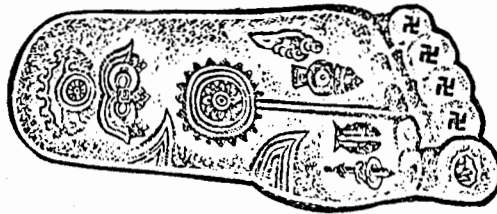
Dukha	درد
Samudaya	شهوت
Narga	خاموش کردن آتش شهوت
Marga	راه اصلاح

بودا هر کس را مشغول کامرانی یا ناکامی، خوشبختی یا بدبختی های خود می شناسد و منشأ بدیها را نادانی میداند و میگوید بر اثر نادانی است که انسان به راه بد می رود و بدنبال دل سرکش میدود. وی درون تابناک و پاکیزه را بزرگترین پناهگاه اشخاص می شمارد و از این رو به تهذیب نفس می پردازد. در آئین بودائی بی ثباتی دنیا را دربر گرفته است و هیچ چیز ثباتی ندارد، اعم از جسم، احساس، ادراک، همه چیز گردان، متغیر و شعله ور است.^۸

در این شعله فروزان و در این بیقراری و درد، مبارزه با شهوات و

۸- هراکلیت دانشمند یونانی (اواخر سده ششم پیش از میلاد) بی ثباتی را اصل میدانست از این رو او را گریان یا بدبین گفته اند.

ایستادگی در برابر خواستهاراء فرار از درد و سوختن و به آرامش رسیدن است.^۹
 در کتاب «مذاهب بزرگ جهان» تصویری است از کف پای بودا و بر آن
 نقوشی است که معرف عقاید و آئین و سمبلهای او است، از جمله بر چهار انگشت
 پای وی علامت  با ابعاد برابر دیده میشود



شکل ۱۳

نقش پای بودا

طرف توجه قرار دادن چهار انگشت پایا نموداری از حقایق چهار گانه
 بودا نیست؟! افزون بر این، نگاره  با ابعاد مساوی بر چهار انگشت پایشکل
 پروانه نشانه‌ای از متغیر بودن جهان نمیباشد و اینها خود معرف چهار حقیقت
 بودا که گرداننده زندگی انسان و نظام جهان هستند، نیست؟
 بهر حال این نشانه در کشور ایران و هند مورد توجه بود، زیرا مردم هر دو
 سرزمین آریائی هستند و فلسفه بودا «بودیسم» راه آریائی نیز خوانده شده است.

۹- برای آگاهی بیشتر به فلسفه هندو همچنین به کتاب فلسفه شرق تالیف مهرداد مهرین
 مراجعه شود.

در ایران حقایق چهارگانه بودا (درد ، شهوت ، خاموش کردن آتش شهوت ، راه اصلاح) چندان مانند هند مورد نظر نبوده و مدتی پیش از ظهور زردشت قبائل آریائی، آخشییج‌های چهارگانه (باد، خاک، آب، آتش) را گرامی و مقدس می‌شمرده‌اند و آنرا بوجود آورنده عالم و گرداننده نظام هستی میدانسته‌اند. بنابراین کیفیت این علامت وضع دیگری پیدا میکند.^{۱۰}

پژوهشی در یونان

سابقه‌های مدون نشان می‌دهد که یونانیان در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد ، زمانی رطوبت را مادة المواد و عنصر اصلی حیات و مایه حقیقی جانداران دانسته‌اند^{۱۱} زمانی دیگر ، هوا را عنصر اولیه شمرده و انبساط و انقباض آنرا پدید آورنده عناصر دیگر میدانستند.^{۱۲} آتش نیز زمانی مایه حیات بوده و مرکز و محور عالم را يك كانون آتش پنداشته‌اند که زمین و خورشید و ماه و سیارات بدور آن می‌چرخند.^{۱۳} همچنین در عصری عالم را ترکیبی از عناصر چهار گانه (آب و باد و خاک و آتش) ذکر کرده‌اند.^{۱۴} با بیان این مطالب باید دانست که این علامت در یونان باستان نیز سابقه دارد . بر بدنه کوزه منقوشی مربوط به تقریباً ۷۰۰ سال پیش از میلاد کار شهرتیب که اکنون در موزه آتن نگهداری میشود ، در کنار نقش

۱۰- ابروباد و مه و خورشید و فلک در کارند تاتو نانی بکف آری و به غفلت نخوری

۱۱- طالس میلیتی .

۱۲- انکسیمانوس .

۱۳- فیثاغورسیان .

۱۴- امپدوکل Empedocle .

حیوانات و انسان‌نگاره‌های چندی از این نشانه وجود دارد.^{۱۵}



شکل ۱۴

کوزه یونانی با نقش



«يك ظرف نوگ دراز مفرغی کارلرستان در پرستشگاه الهه (هرا) در جزیره ساموس پیدا شده و يك آویز برنزی لرستان در جزیره (کرت) کشف گردیده است و هر دوشی از قرون هشتم یا هفتم پیش از میلاد بوده و نشان میدهد که از قلب کشور ایران نیز مال التجارهائی به یونان برده میشد. این دوشی مفرغی که در یونان پیدا شده است حکایت از این میکند که دو راه تجارتی شمال و مغرب

۱۵- پروفیسور گیرشمن، هنر ایران در عصر ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ صفحه ۳۳۲.

بجهان یونان باز بوده که از آنجا محصولات ایرانی و اورارتوئی به یونان میرفته است.

ما ادعا نمیکنیم که نقوش سفال پیش از تاریخ ایران مثلاً سفال سیلک سهم مهمی در تشکیل هنر سفال سازی یونان داشته است. ولی یادآور میشویم که بسیاری از موضوع هائی که روی سفال ایران و یونان نقش شده اند بهم شباهت نزدیک دارند. اگر این شباهت فقط در چند موضوع بخصوص و استثنائی وجود داشت آنها اطمینان بخش نمی بود ولی تعداد سفال این دو ناحیه که بهم شباهت دارد بسیار زیاد است و توجه ما را بسوی موضوع بسیار جالبی معطوف میدارد. از اواسط قرن هشتم پیش از میلاد نقوش هندسی خشک یونانی تدریجاً راه نفوذ را برای موضوعهای جدیدتری باز مینماید. ۱۶

چون هنر ایران و یونان متقابلاً در یکدیگر تأثیر گذارده اند و بنا به نوشته گیرشمن هنر ایران بخصوص نواحی سیلک لرستان تأثیر زیادی در هنر یونان بخشیده است و سابقه این نقش  در ایران قدیمی تر از سال ۵۰۰ پیش از میلاد است. با احتمال قوی این علامت از ایران به یونان رفته و ارزش نشانه ای (سمبولیک) پیدا کرده است.

با نگرش به این سابقه و طرز تفکر اندیشمندان یونانی و همچنین تبادل فرهنگی و ارتباطات نظامی و سیاسی که در عصر دولت هخامنشی میان ایران و یونان و مصر جریان داشته است ۱۷ و بنا به سستی که از روزگاران دور نسبت

۱۶- پروفیسور گیرشمن، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، صفحه ۳۳۲.

۱۷- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب بنیاد استراتژی در شاهنشاهی هخامنشی تألیف نگارنده.

به عناصر چهارگانه سازنده و پردازنده و گرداننده عالم هستی هستند احترام و تقدیس مرعی شده است، و با اعتقاد باینکه از ترکیب و نزدیکی این عوامل به نسبت معین هستی و موجودیت شکل گرفته است، باید پنداشت این علامت هرشاخه یا هرخانه اش که به پروانه های آسیای آبی و بادی بی شباهت نیست، جای یکی از عناصر، یا مظهر یکی از عناصر بوده است که بر روی هم با گردش و چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ میکنند و حرکت و تغییر و یا حیات و ممات بوجود می آورند، و رفته رفته این پیکره بصورت «سمبل» درآمده و بادیدن آن بر اثر تداعی معانی، عناصر چهارگانه مقدس در ذهن جای گزین میشده و احترامات مذهبی مقرر بعمل می آمده است.

ترکیب عناصر چهارگانه
چرخ آفرینش را می چرخاند
و نظام هستی دوام می یابد



شکل ۱۵

اوستا چه میگوید

در پیش گفتیم که شمال و شمال غربی ایران مرکز مهرپرستان بوده است. پلوتارک میگوید: (هرمزد در عالم معنوی به نورشیه است و اهریمن بتاریکی و میان این دو مهر قرار دارد).^{۱۸} مهر در آئین های کهن واسطه ای است میان پروردگار و آفریدگان. میتر «Mithra» یا Mitra ویا بزبان پهلوی «Mitr» و بزبان فارسی «مهر»، بمعنی وظیفه و تکلیف دینی هم آمده است.

۱۸- برای آگاهی بیشتر به اوستا، یشت ها، گزارش اپورداوود، صفحه ۴۰۱ مراجعه شود

در فرگرد چهارم «وندیداد» که بخشی از کتاب اوستا است در آنجا که از معاهده و پیمان و عقد قراردادها بحث و گفته‌گو میکند، واژه «مِیثر» بمعنی عهد و پیمان آمده است.

«مِیثر» در هندوستان مانند «مِیثر» در اوستا، پاسبان راستی و پیمان است و از اینجا روشن میشود که مهر نزد هر دو گروه آریائی «ایرانیان و هندیان» مقدس و درخور ستایش و بزرگداشت بوده است.

برسنگ نبشته اردشیر دوم هخامنشی در خرابه‌های شوش چنین نگاشته شده است: «این ایوان را داریوش از نیاکان من بنامود، سپس در زمان اردشیر پدر بزرگ من در آتش بسوخت. من بخواست اهورا مزدا و آناهیتا و مِیثر دوباره این ایوان را ساختم. بشود که اهورا مزدا، آناهیتا و مِیثر، مرا از همه دشمنان حفظ کنند و آنچه من ساختم خراب نسازند و آسیب نرسانند» همچنین در سنگ نبشته اردشیر سوم در تخت جمشید آمده است که:

«اهورا مزدا و بغ مِیثر مرا و این مملکت را و آنچه را که بتوسط من ساخته شده است باید نگهداری کنند»

یشت دهم در اوستا بنام (مهر یشت) درستایش و بزرگداشت مهر است. در آئین مزدیسنا مهر فرشته پیمان، فرشته نگهبان راستی و دلیری و فرشته فروغ و روشنائی و جنگ میباشد.

این فرشته بزرگ و ارجمند که نگاهبان پیمانها و کیفر دهنده پیمان-شکنان است از فراز کوه «هرا» کشورهای آریائی را زیر نظر دارد. کرده ۴ مهر یشت میگوید:

«مهر رامیستائیم که دارای دشتهای پهن است. از کلام راستین آگاه است. نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فناپذیر تیزاسب در بالای کوه هرا برآید

واز آنجا آن مهر بسیار توانا تمام منزلگاهان آریائی را مینگرد. مهر به کشور پاکان و راستان فرو فروغ میبخشد و از پیمان شکن و کشور دشمن فروپیزی را باز میستاند. توانا و آگاه و نیروی بینایش زیاد است.^{۱۹}

در داستانهای دینی آمده است که مهر با جنگ افزارهای بایسته مانند کمان، تیر، نیزه، تبرزین، گرز، خنجر به گردونه زرین که دارای چرخهای بلند و درخشان است نشسته و بهچالاکی گرد جهان میچرخد.

فرشته پیروزی «بهرام» و فرشته فرمانبرداری «سروش»، فرشته دادگری، «رشن»، فرشته درستی «ارشتاد»، فرشته نیک بختی و فراوانی «پارند» و فرشته توانگری «ارت» در پیرامون مهر می‌تازند و باین ترتیب فرشته مهر از راستی و دلیری پشتیبانی میکند و دروغ و پیمان شکنی را پریشان می‌سازد و به جنگجویان دلیری و نیرو می‌بخشد. مهر با خورشید یا هور جدائی دارد، چنانکه در بخشهای اوستا این دگرگونی بروشنی دیده میشود و در اوستا یشت دیگری بنام خورشید یشت وجود دارد. مهر که مورد توجه شاهان و لشکریان ایران زمین بود در کشورها و سرزمینهای دیگری که زیر فرمان ایرانیان درآمد شهرت یافت و رفته رفته با الهه محلی خورشید در آمیخت و یکی شد. لیکن بن وریشه آریائی خود را حفظ کرد. عقاید مهرپرستی (میترائیسم) از ایران به بین النهرین و آسیای کوچک و در تماسها و ارتباطات سیاسی و اجتماعی به یونان و روم رفت و در عیسویت نفوذ کرد. در سرزمینهای اروپا مهرپرستی نخست در میان ارتشیان یونان و روم رواج گرفت، زیرا اینان نخستین گروههایی بودند که در نبردهای ایران و یونان در کرانه‌های اژه با سربازان هخامنشی روبرو شدند و با ویژگیهای این فرشته و

سرانجام «میترائیسم» آشنائی پیدا کردند. بسیاری از سرداران و امپراطوران رم پرستشگاههای بزرگی برای مهر ساختند وزیر تأثیر و نفوذ فلسفه مهری با کیش عیسی به مبارزه برخاستند و اگر این پیکارهای عقیدتی ادامه یافته بود جهان کیش و راه مهری پذیرفته بود. با آنکه شکست‌ها بمذهب مهر وارد شد و مهرپرستان بخاک و خون غلتیدند و بناچار معابد خود را به زیر زمین انتقال دادند، باز هم بسیاری از سنت‌ها و آداب خود را در مسیحیت وارد کردند.^{۲۰}

مهر در آئین زردشت یکی از فرشتگان و آفریده اهورامزدا بشمار آمده و این مفهوم را کرده ۱۳ مهر یشت به خوبی می‌رساند.

با آنکه اهورامزدا در کرده «۱» مهر یشت به زردشت می‌گوید: «من مهر دارنده دشتهای فراخ را همانند خویش درخور پرستش و ستایش آفریده‌ام»
 معینا مهر دستهارا بسوی اهورامزدا بلند نموده و این چنین گله می‌کند:^{۲۱}

«من پشتیبان همه آفریدگانم ای خوب کنش، من پاسبان همه آفریدگانم ای خوب کنش، لیکن مردمان در ستایش از من در نماز نام نمی‌برند آنگونه که دیگر ایزدان را نام می‌برند و می‌ستایند.»^{۲۲}

گردونه مهر

دربرگهای پیش باستاناد کرده ۴ مهر یشت گفتیم که مهر بر گردونه زیبا

۲۰- برای آگاهی بیشتر به جزوه دین مهری، دکتر ناصرالدین شاه حسینی، چاپ ۱۳۴۸ مراجعه شود.

۲۱- کرده ۱۳ بند ۵۳ مهر یشت.

۲۲- کرده ۱۳ بند ۵۴ مهر یشت.

و پرتحرکی سوار است و همه گونه افزارهای جنگی در گردونه دارد و فرشتگانی او را در گرداگرد جهان همراهی میکنند.

گردونه اش سبک بال، تندرو، مینوی و جاودانه و جهان پیماست. «مهر را میستانیم که دارای دشتهای بهن است، که از کلام راستین آگاه است، زبان آوری که دارای هزار گوش است. کسی که با گردونه چرخ بلند بطرز مینوی ساخته شده از کشور «ارزهی» بسوی کشور «خونیرس» می شتابد. از نیروی زمان و از فرمزدآفریده و از پیروزی اهورا داده برخوردار است. ۲۳» «گردونه اش را ارت نیک پایه میگرداند. دین مزاد راه را برای او آماده ساخت تا که او بتواند راه را خوب پیمود. ۲۴»

مهر دارنده دشتهای فراخ از گرزمان «عرش» درخشان روان گردد، کسی که گرداننده گردونه ای است زیبا و یکسان و برازنده با زینتهای گوناگون آراسته و زرین ۲۵. گردونه مهر را زیباترین و درستکارترین مخلوق میگرداند و این گردونه را خرد مقدس آفریدگار ساخته و از زینت ستارگان آراسته شده است. ۲۶»

باین ترتیب و با آنچه از مقایسه خورشید یشت و مهر یشت برمی آید و توجه باینکه خورشید در روایات دینی گردونه ای نداشته و گردونه خاص مهر بوده است؛ و با توجه به اینکه مهرپرستی از آئین های بزرگ جهان بوده و یادآور عهد آریائی هائی کهن میباشد که رفته رفته با اصول آئین زردشت و

۲۳- کرده ۱۷ بند ۶۷.

۲۴- کرده ۱۷ بند ۶۸.

۲۵- کرده ۳۱ بند ۱۲۴ مهر یشت.

۲۶- اقتباس از کرده ۳۴.

فلسفه مزدائیسیم در آن اصلاحاتی بعمل آمده است، آیا بهتر نیست که این نشانه را «𐬰» گردونه مهر بلند پایه بدانیم، نه گردونه خورشید؟ زردشت برای گسترش مزدپرستی از اهمیت ایزدان کاست و مهر را که پایه خدایی یافته بود یکی از ایزدان آئین خود بشمار آورد. با نگرش باینکه نشانه 𐬰 به شاهین و فروهر هم بسیار نزدیک است، میتوان پنداشت در زمانی که از اهمیت مهر کاسته شد، نشانه مقدس میترائیسیم رفته رفته به شاهین مبدل شده و شاهین و نگاره فروهر تمام جاذبه معنوی و روحانی این نشانه را گرفته و مظهر فروشکوه مینوی گردیده است.

نقوذ در اسلام

پس از ظهور کیش اسلام گرایش ایرانیان به آئین نوین، بسیاری از عقاید، ترادادها و هنرها از فرهنگ نیرومند و غنی ایرانی به کشورهای اسلامی راه یافت و در آئین اسلام تاثیر گذاشت.

تازیان شیوه حکمرانی و ترکیب سازمان ادارات دولتی را از ایرانیان

گرفتند و تا ۱۸۰ سال پس از ظهور اسلام ادارات دولت اسلامی بر شالده دیوانهای عصر ساسانی پی ریزی شده بود و سکه‌های ساسانیان رواج داشت. مدت‌ها وزیران ایرانی حکومت میکردند و دانشمندان ایرانی فقه و اصول و دستور زبان عربی مینوشتند و بتدریس اشتغال داشتند.

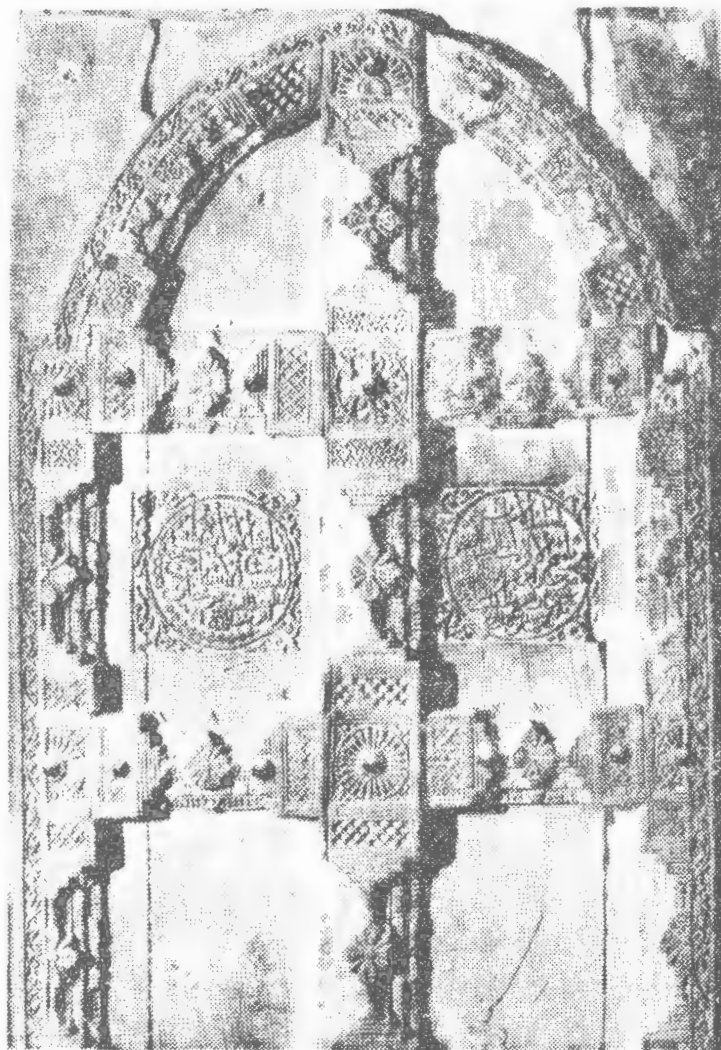
سنت احترام به آب و روشنائی از جمله سنت‌هایی است که میتوان گفت از ایران وارد سنت کشورهای اسلامی شده است. سوگندهایی مانند: «باین سوی تجلی» اشاره به روشنائی چراغ و یا «قسم به اجاق گرم مرتضی‌علی»،

افروختن چراغ و شمع در گذرگاهها و اماکن و گور بزرگان ، دنباله همان تقدیس آب و آتش میباشد. از جمله علامت  که چهره مذهبی و مقدس نیز داشته از میان نرفته و همچنان با نفوذ گذشته خود در دوره اسلامی باقیمانده و گاهی نیز برای بقاء و دوام آن، ایرانیان فکور و خوش ذوق آنرا با نام بزرگان دین نو درآمیخته و به حفظ و نگاهبانی آن کوشیده‌اند. نمونه‌هایی از این نشانه در آثار بازمانده از دوره‌های اسلامی فراوان است و ما چند مورد آن را در زیر بیان میکنیم.

۱- در بخش اسلامی موزه ایران باستان در چوبی کنده کاری شده‌ای بامضای «مرجان بن عبدالله» وجود دارد که در سال ۷۵۴ هجری ساخته شده و روی آن علامت  بصورت برجسته در بالای دایره سمت راست و علامت + در بالای دایره سمت چپ در کنده شده است. این در، درمازندران بدست آمده و بشماره ۳۳۰۷ در دفتر موزه ایران باستان به ثبت رسیده است.

۲- بشقاب لعابداری مربوط به سده چهارم هجری در شهر ری بدست آمده است که بر روی آن پیکره شیرینی نقش شده که دم پشم آلود و دست راست خود را بلند کرده است و بر بالای نقش شیر نزدیک سر جانور، نگاره‌ای دیده میشود که هم شبیه ستاره است و هم شبیه نشانه مورد بحث که کمی درهم فشرده و شاخه‌های آن بداخل پیچانده شده است.

با توجه باینکه آثار باقی مانده از این نقش را در گذشته بر روی بدن شیر که جانوری دلیر و پر جست و خیز و چابک است، نقش نموده‌اند، نگارنده میپندارد که این شکل معرف و نماینده گردونه خورشید می باشد که بتدریج وضعی را که در شکل دیده میشود یافته است و این شکل چون در شمار نخستین تصویرهایی است که شیر را با چنین نشانه‌ای نشان میدهد میتوان آنرا ستاره یا خورشید هم دانست.



شکل ۱۶

دربا نشانه + و 卐 از دوره اسلامی



یکی از دایره‌های در «شکل ۱۶» که نشانه‌ها در آن دیده میشود



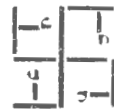
شکل ۱۷

نقش شیر بر بشقاب، ری، سده چهارم

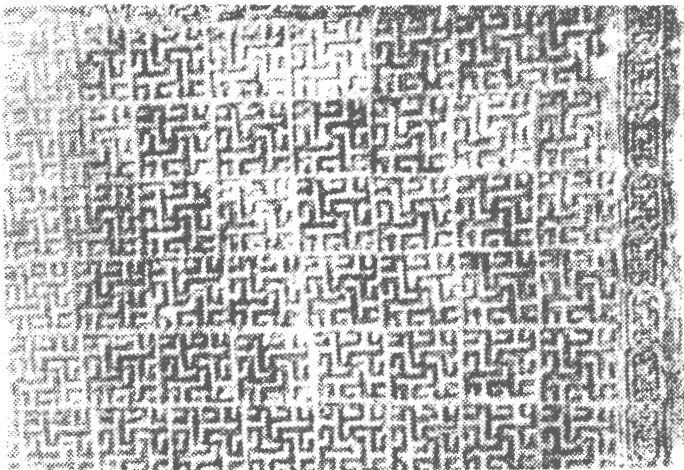
اگر از رابطه نجومی که ستاره شناسان قدیم، بخصوص در ایندوره میان منطقه البروج و هفت ستاره که خورشید را هم جزو آن میدانستند، و از آنجمله برج اسد را خانه خورشید میانگاشتند، صرف نظر کنیم، میتوان گفت: این نشانه آریائی کم کم از روی ران شیر به بالای سر شیر انتقال پیدا کرده و رفته رفته مانند تصویر ۱۷، شاخه های آن فشرده شده، شکل ستاره گرفته و مرور زمان بصورت خورشید درآمده است و مبنای سابقه شیر و خورشید «علامت دولت شاهنشاهی ایران» گردیده و ارزش و نشانه ی (سمبولیک) یافته است. ۲۷.

۲۷- برای آگاهی بیشتر به کتاب پرچم و پیکره شیر و خورشید، ج۱ - دوم، ۱۳۴۸، تهران، تألیف نگارنده مراجعه شود.

۳- رفته رفته این نشانه  که خود معرف و نمودار يك رشته سنت و عقاید آریائی بود در اسلام نفوذ یافت و با اعتقادات ایرانیان مسلمان بخصوص آن قسمت از اعتقادات که نسبت بخاندان پیامبر «ص» بویژه حضرت امیرالمؤمنین علی «ع» بود در آمیخت و معماران و هنرمندان و کاشیکاران ایرانی، این نقش‌ها را بر درها و بر کاشیکاریهای مساجد رسم نمودند، لیکن آنرا به این صورت در آوردند.



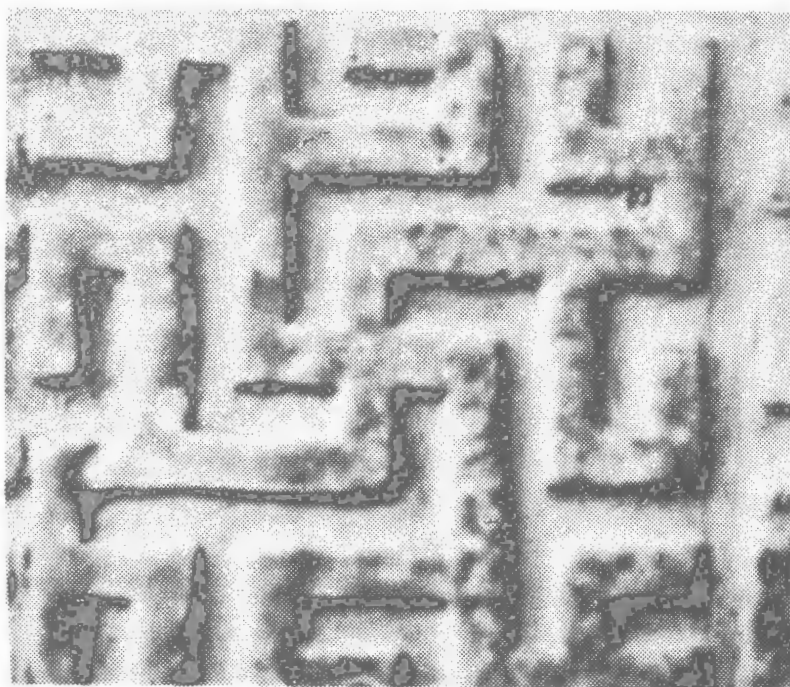
هم اکنون این نقش را بگونه‌ای دیگر بر کاشیکاری سر در شرقی بقعه بیزید در بستان می‌توان مشاهده کرد. ۲۸



شکل ۲۸
کاشیکاری سر در ورودی
بقعه بیزید در بستان
یا نشانه 

۲۸- عکس از کتاب معماری اسلامی در دوره ایلخانان، نوشته دونالد ویلبر؛ ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران ۱۳۴۶، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، عکس صفحه بعد از بخش فرهنگی ورار در بار ساهساهی

یکی از نقوش کاشیکاری
بقعهء بایزید در بسطام
که بزرگتر سموده شده است



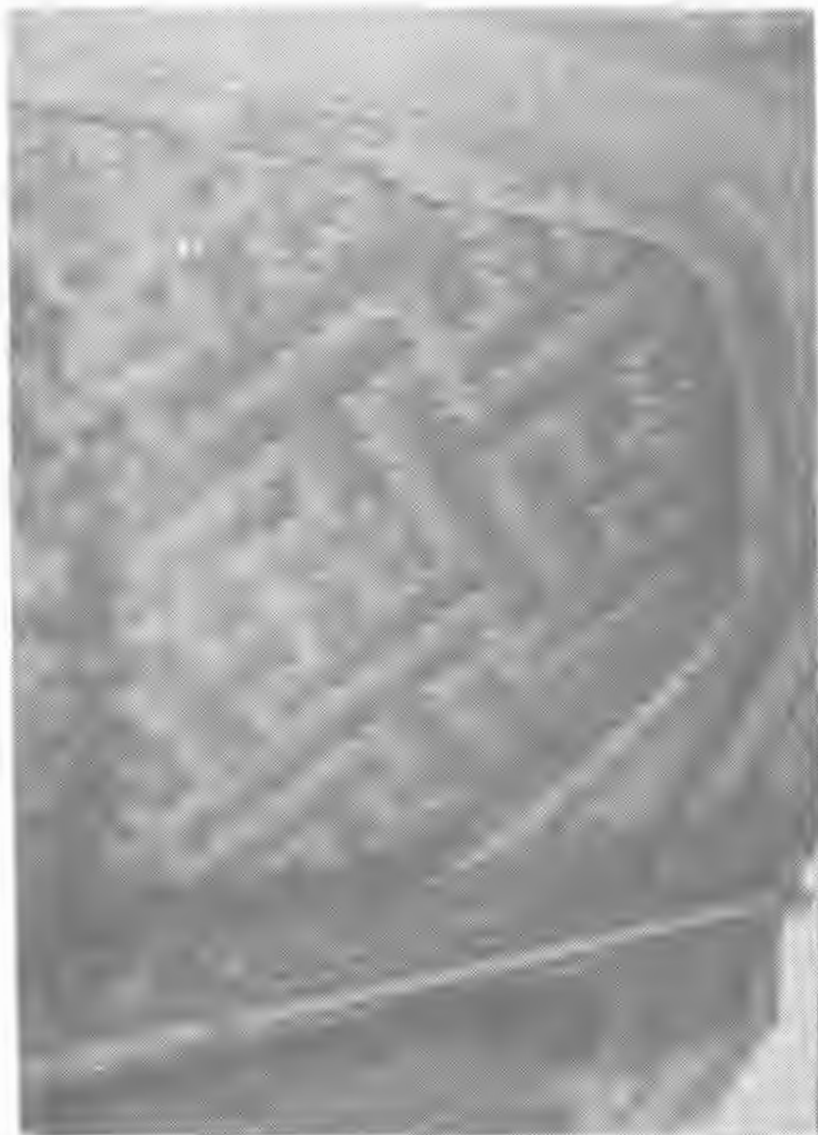
نمونه‌ای از کاشیکاری بقعهء بایزید در بسطام

۴- من شنیده بودم گنبد علویان درهمدان نیز دارای این نشانه می باشد، در سفری که در فروردین سال ۱۳۵۱ دست داد به محل گنبد علویان که در حال حاضر دبیرستان علوی همدان در خیابان باباطاهر است رفتم . گنبد این بنا که در زیر زمین آن مقبره سید محمد نوربخش معروف به علوی (از اهالی خراسان و یکی از بزرگان شیعه) قرار دارد، فرو ریخته است و بر روی آب شروانی زده اند .

بنا با آجر ساخته شده و از کف زمین بلندتر و همانند بسیاری از بناهای تاریخی قسمتهائی از آن ویران شده در روزگار گذشته يك راهروی زیرزمینی، سردابه این بنا را به خانه روحانی مزبور هدایت می کرده است^{۲۹} بدنه های بیرونی ساختمان از نقش های  «با آجر» ، که با جزئی خطوط اضافی «مانند سقف ایستگاه راه آهن تهران» بیکدیگر پیوسته و شبکه بزرگی از این نشانه فراهم آورده، پوشیده شده است .

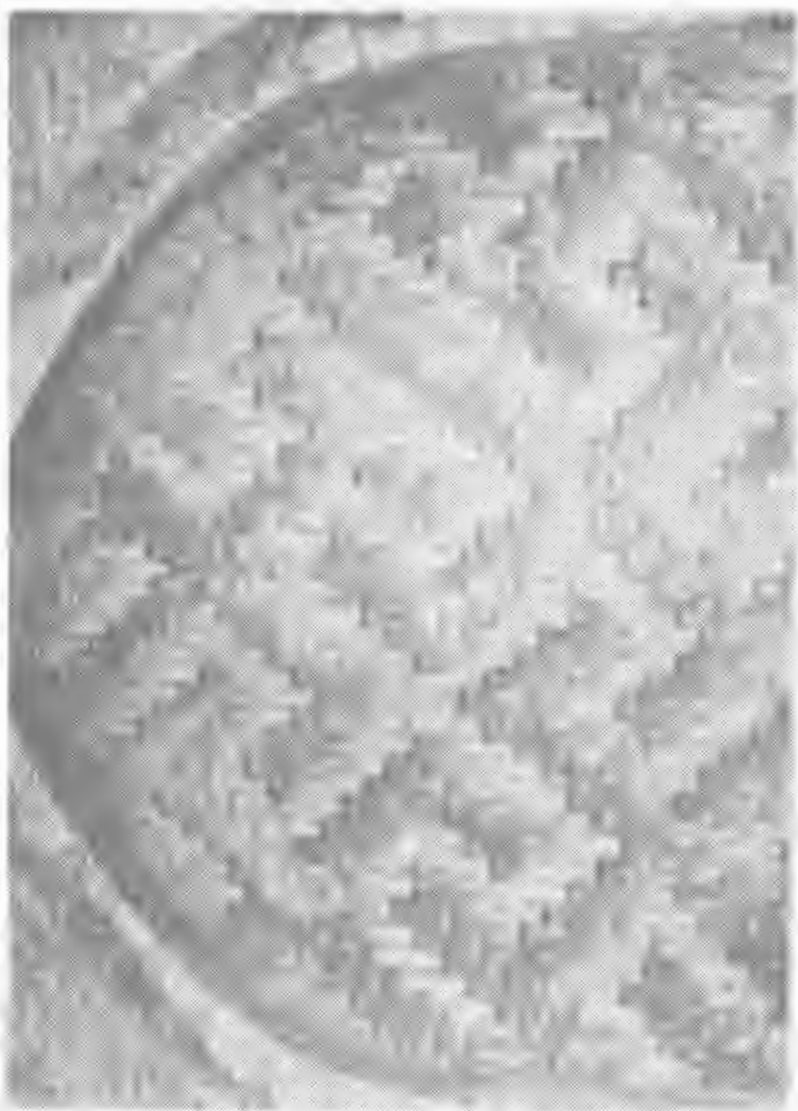
۵- در لحظات واپسین که این مقاله تحقیقی به پایان میرسد، سرکار فرهنگ سرنشته با بامقدم بادیدن عکسهای این مقاله بیاد آوردند که از دوران کودکی يك قیچی باغبانی در خانه خود دارند که بر روی آن نشانه گردونه مهر با اندک تغییری وجود دارد . ایشان با گسترده رویی قیچی مزبور را در اختیار گذاردند تا از آن عکسی تهیه شود . البته باید دانست که محل ساخت و تاریخ ساخت آن روشن نیست ، لیکن متجاوز از شصت سال است که از این قیچی در کارهای

۲۹- اس آگاهی محمدرضا آفای میرسان دهگان یکی از دبیران دبیرستان علوی بمن داده اند .



شکل ۱۹

همدان ، نمای بیرونی گنبد علویان



شکل ۲۰
قسمتی از آجرکاری نمای گنبد علویان در همدان

باغبانی استفاده میشود.^{۳۰}



شکل ۲۱

قیچی باغبانی با نشانه گردونه مهر

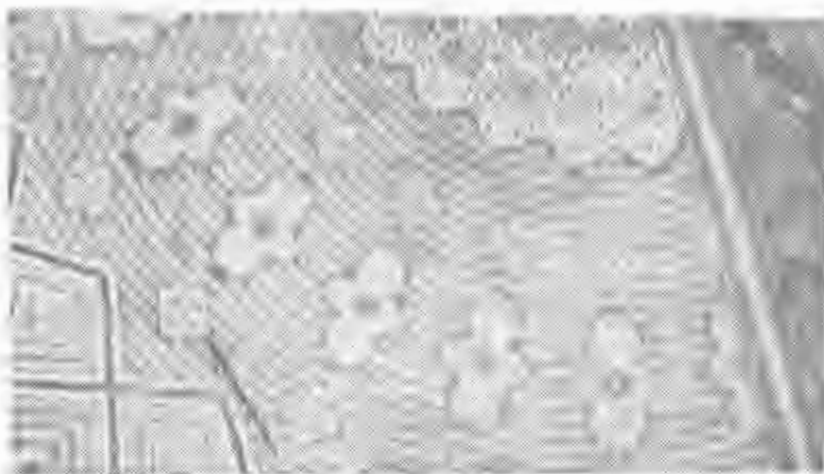
۳۰- نویسنده از سرکار سرهنگ با با مقدم سپاسگزار است

شاه سلطان حسین صفوی از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هجری برابر با ۱۶۹۳ تا ۱۷۲۲ میلادی مدت سی سال در ایران پادشاهی کرد. گرچه نام این پادشاه در فرهنگ عمومی مردم مترادف با ناتوانی و سستی و لجام گسیختگی و بی‌لیاقتی است، لیکن نامبرده پادشاهی پارسا و دین‌دار بود. و روحاً با تسبیح و دلق بیشتر پیوند داشت تا با تاج و تخت. بفرمان وی در کنار خیابان چهارباغ مدرسه‌ای برای دانشجویان علوم دینی ساخته شد که واپسین شاهکار معماری دوره صفوی است. گرداگرد این مدرسه حجره‌های دانشجویان قرار گرفته و کاشیکاری زیبا، گلکاری و درختان کهن سال چنار و جوی آب فرشادی که از این مدرسه می‌گذرد این مکان را دلپذیر و باصفا کرده است. در این مدرسه باشکوه در چند جانشانه  دیده می‌شود.

الف - بر سقف راهروی ورودی مدرسه از سوی باختر با نوشتن نام علی

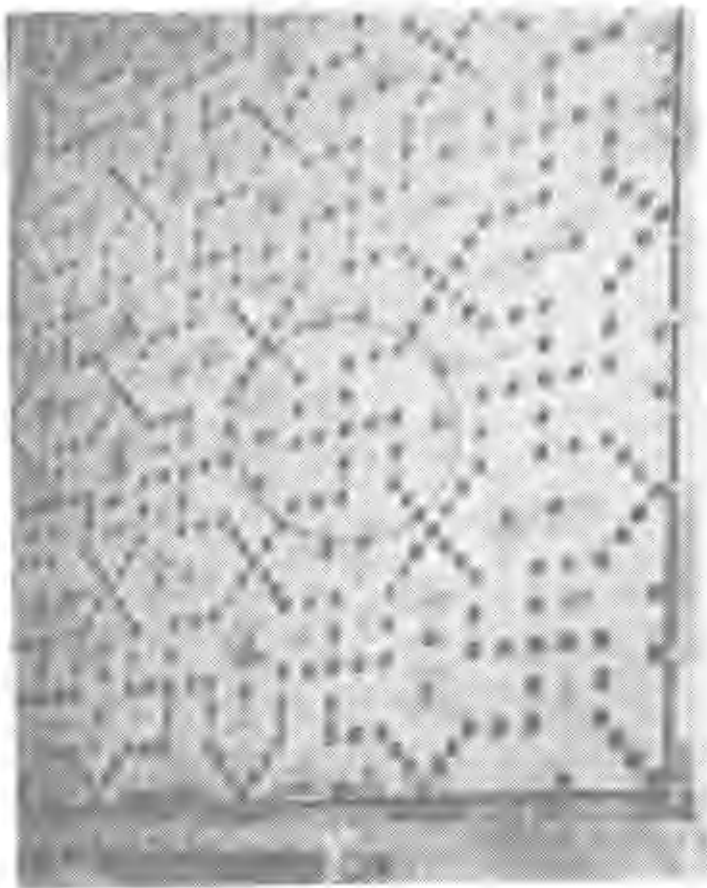
حضرت امیرالمؤمنین، این نشانه با این شکل  نموده شده است.

ب- بر دیواره و سقف راهروهای ایوان خاوری مدرسه که جوی آب از زیر آن عبور میکند (رو بروی در ورودی) با کاشیهای کوچک نشانه  به شماره فراوان ساخته شده است. این علائم با کاشیهای مربع شکل آبی و سیاه مشخص گردیده و برای آنکه در برخورد نخستین دیده شود در شکل ۲۳ یکی از آنها را با کشیدن دایره مشخص کرده‌ام.



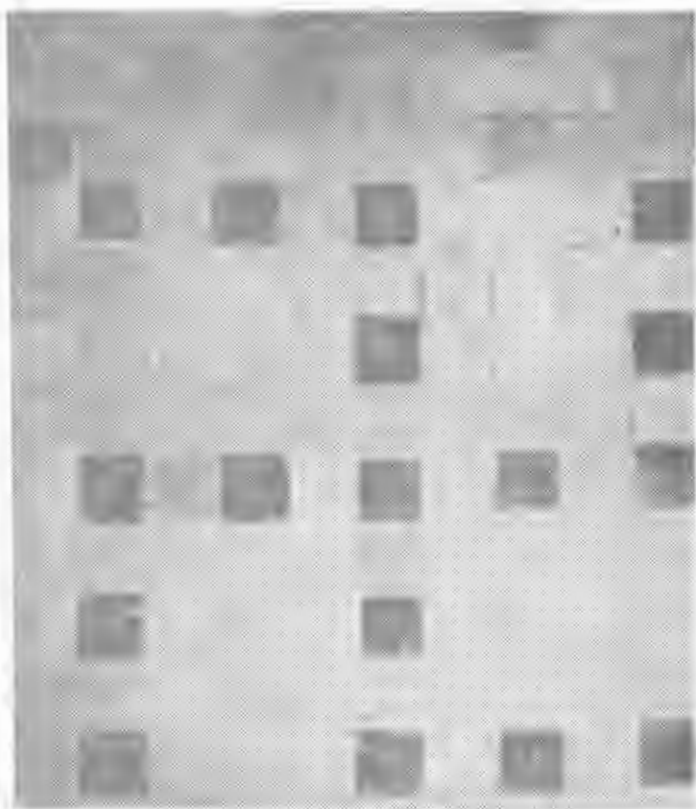
شکل ۲۲

بخشی از سقف راهروی ورودی مدرسه چهارباغ



شکل ۲۳

بخشی از دیوار ایوان خاوری مدرسه چهارباغ



شکل ۲۴

بخشی از دیوار راهروی ایوان خاوری مدرسه چهارباغ
یکی از نشانه‌ها که بزرگ شده است

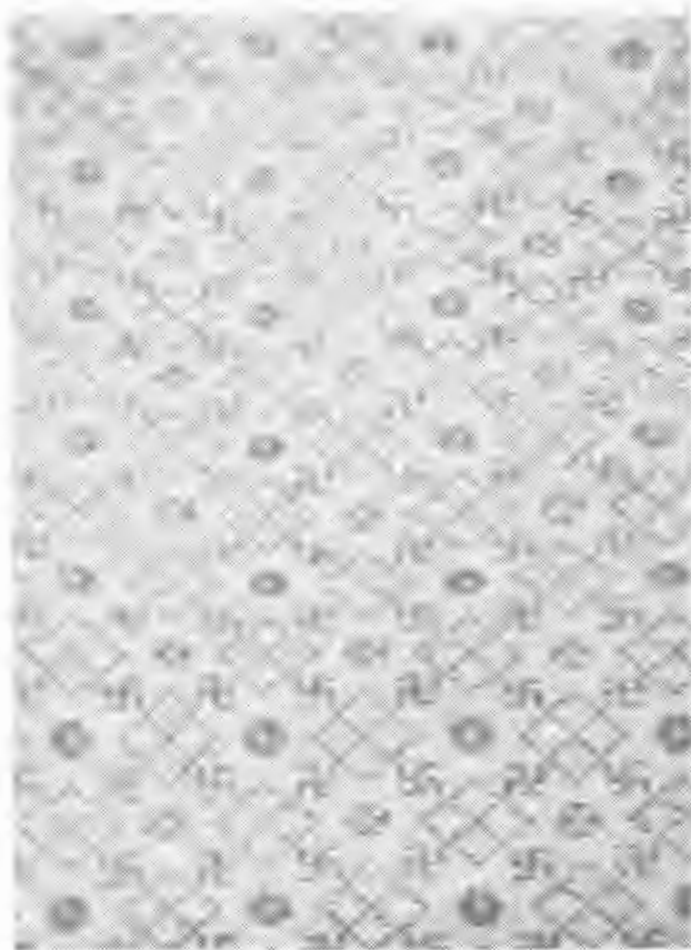
پ- نخستین اتاق (حجره) در ضلع شمالی از سوی باختر که آرایش آن نیز اندکی با اتاقهای دیگر تفاوت دارد، نشیمن گاه شاه سلطان حسین بوده، بدین معنی که هروقت برای بررسی و بازرسی میآمده مدتی در آن می‌نشسته و به بحث و مذاکره میپرداخته است.

در این اتاق فرش زیلوی بزرگی است که سطح آن با نشانه  تزئین گردیده است، در واقع سطح فرش پراست از این نشانه و در حاشیه زیلو این شعر یافته شده است :

« فرش این مدرسه که روح فراست
وقف نواب اشرف اعلاء است
سال ۱۱۱۸ هجری قمری »

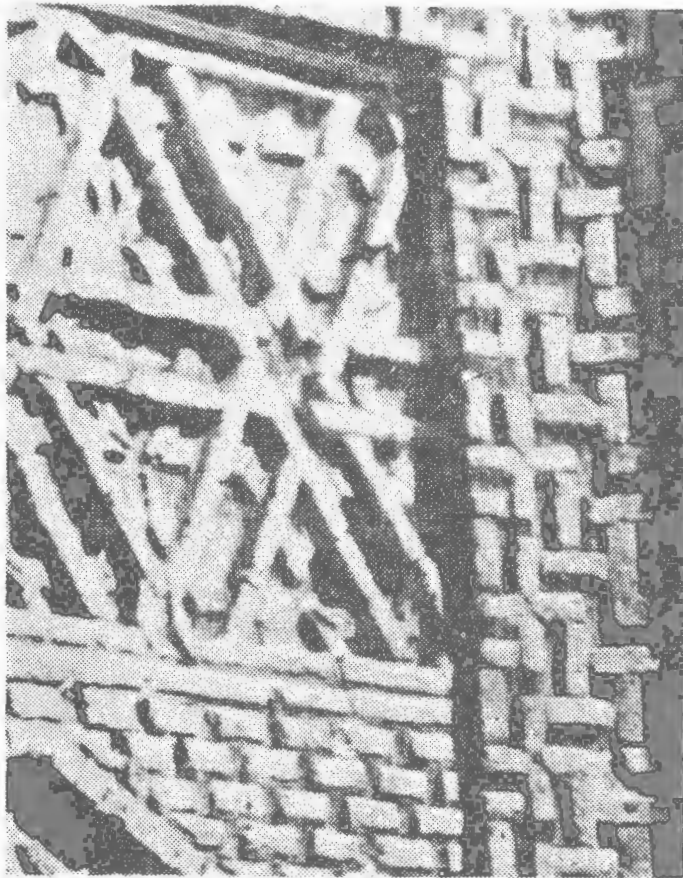
که این تاریخ را باید تاریخ بافته شدن فرش و وقف آن باین مدرسه دانست.
۷- در آثار اسلامی بیرون از مرزهای سیاسی ایران کنونی نیز چنین نشانه‌هایی که رنگ مذهبی هم دارد دیده میشود.

آرامگاه یوسف بن قصیر در نخجوان که بوسیله معماری بنام عجمی بن- ابو بکر در سالهای ۵۵۵ و ۵۵۶ هجری (۱۱۶۲ - ۱۱۶۱ میلادی) ساخته شده ست دارای طرح هشت پهلویی است که از آجر بنا شده و گنبدی مخروطی شکل بر فراز آن قرار دارد. نمای پهلوه‌های بیرونی با نقش و نگارهایی از آجر ریخت گردیده است. در طرفین سردر که دارای اشکال هندسی منظم آجری میباشد در تمام ارتفاع دیوار نشانه  با هشت آجر تراشیده شده مشخص گردیده است.



شکل ۲۵

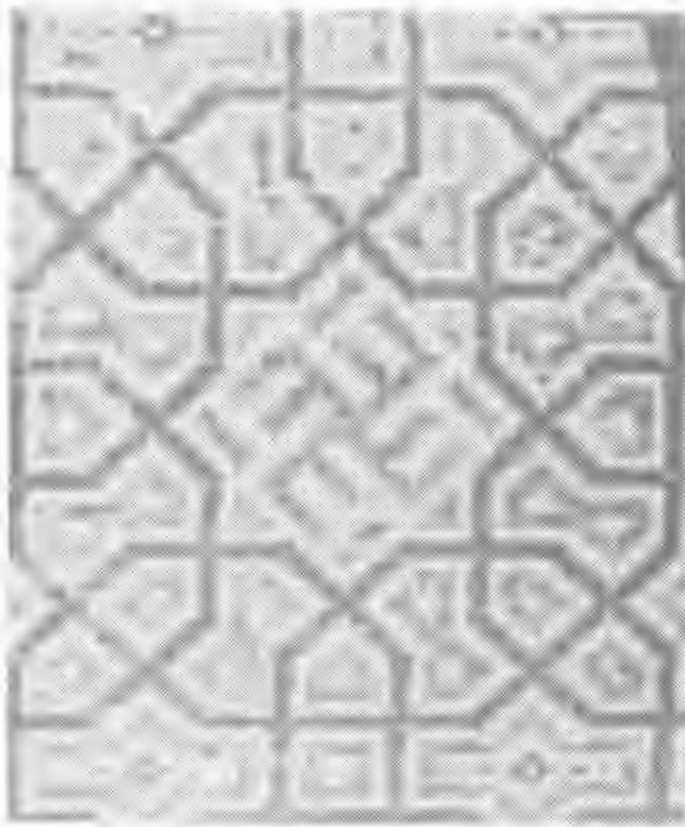
فرش شاه سلطان حسین صفوی در حجرهٔ مدرسهٔ چهارباغ



شکل ۲۶

آرامگاه یوسف بن قصیر در نخجوان

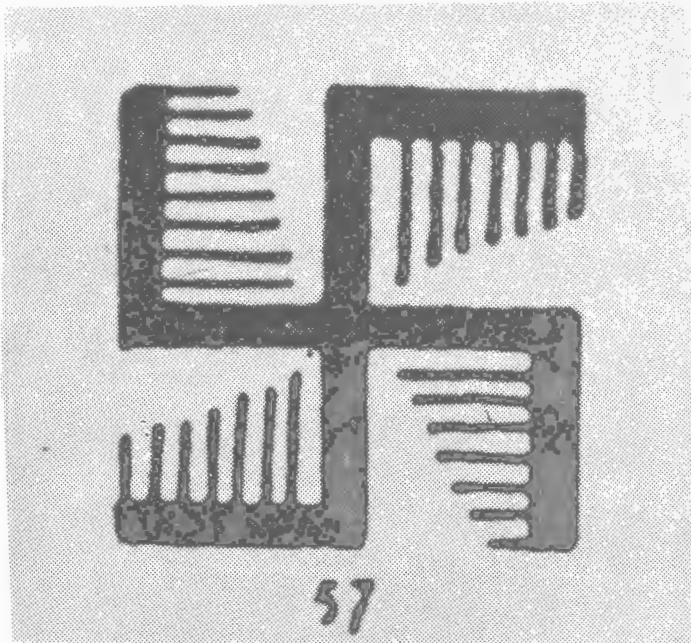
۸- در سال‌های ۱۰۷۰ تا ۱۰۸۴ هجری-قمری (۱۶۶۶-۱۶۶۰ میلادی) در سمرقند مدرسه‌ای بنام مدرسه طلاکاری بنیادگشته که روی بدنه خارجی استوانه‌ای شکل گنبد مسجد نشانه مورد بحث باین شکل  کاشیکاری شده است



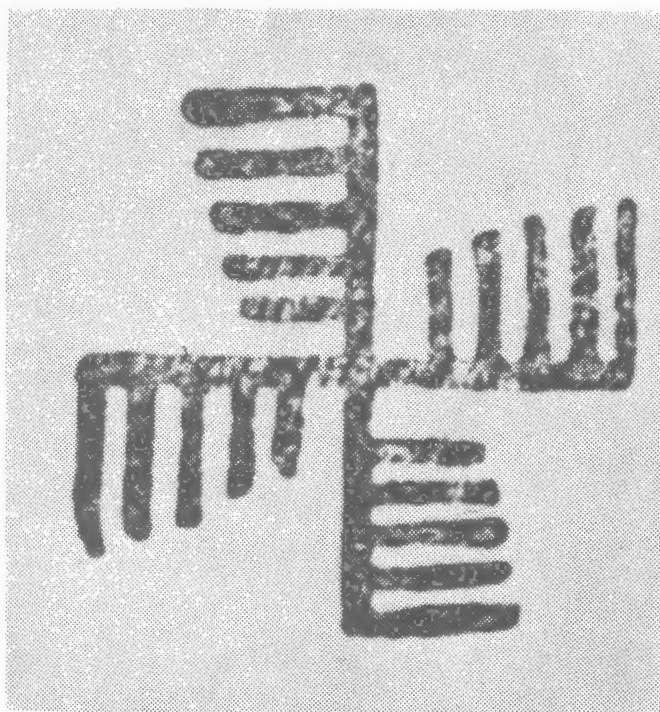
شکل ۲۷

بدنه خارجی گنبد مدرسه طلاکاری در سمرقند مربوط به قرن ۱۱ هجری
(۱۷ میلادی)

که با توجه به خطوط دیگر میتوان پنداشت چهار بار کلمه الله را بیکدیگر وصل کرده و این شکل زیبا را پدید آورده اند. این شکل باد و قطعه سفال که در تل بکون تخت جمشید و تپه سبک در منطقه کاشان بدست آمده است مقایسه شود.



شکل ۲۸
سفال از تل بکون



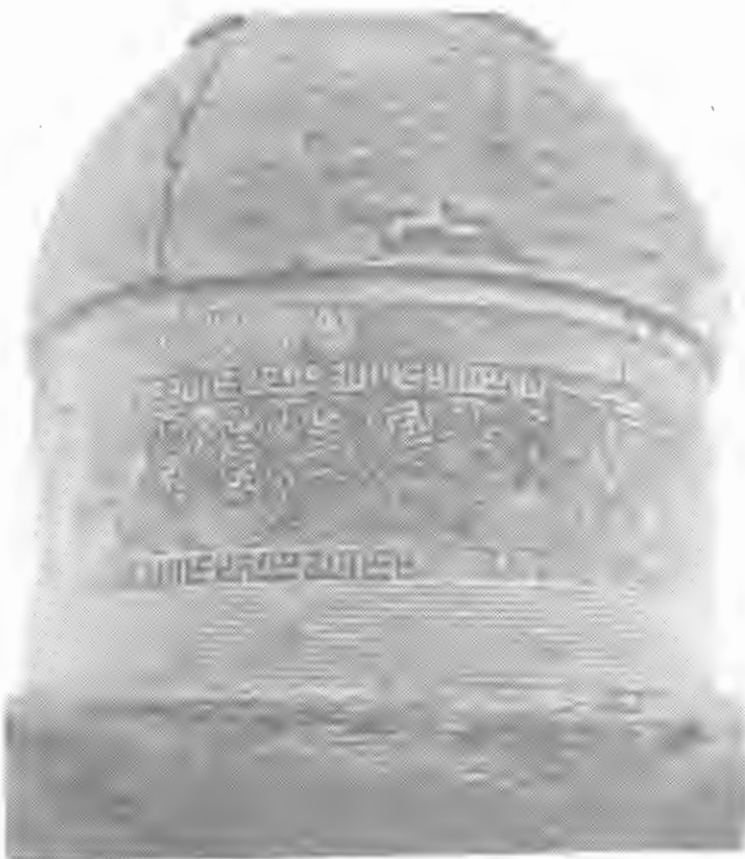
شکل ۲۹

سفال از منطقه سیلک کاشان

عکسهای ۲۸ و ۲۹ از کتاب باستانشناسی ایران باستان
تالیف لوتی و اندنبرگ میباشد

۹- همانطور که در چند جا اشاره کردم این نشانه 卐 در ایران باستان يك نمودار مذهبی بوده و رفته رفته وارد اسلام شده و در اماکن اسلامی نقش مزبور این امر را تأیید میکند.

در ۲۰ کیلومتری شرق شهرستان قم در دهکده قاسم آباد که آرامگاه سکینه خاتون (دختری از نوادگان امام کاظم ع) قرار دارد بر کاشیکاری دیوار پایه (استوانه) گنبد شکل 卐 دیده میشود. این گنبد در حال ویرانی و کاشی هائیز فرو ریخته است.



شکل ۳۰
آرامگاه سکینه خاتون

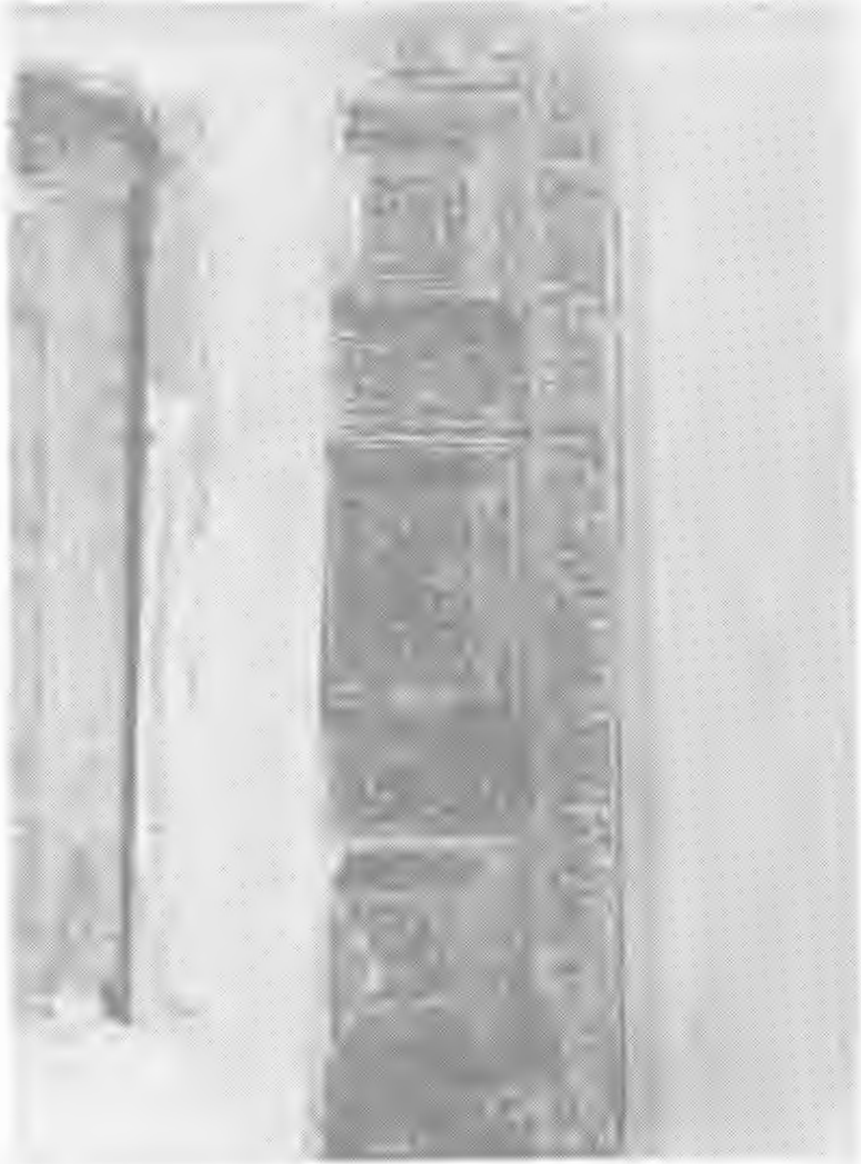


شکل ۳۱
آرامگاه سگینه خاتون

در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان قم آرامگاه دیگری بنام شاهزاده ابراهیم وجود دارد که شکل گردونه مهر بر در و تخته منبت کاری شده در امامزاده مزبور دیده میشود.



شکل ۳۲
آرامگاه شاهزاده ابراهیم



شکل ۲۳
تخته منبت‌کاری در آرامگاه شاهزاده ابراهیم

این پیکره همانندی زیادی با علامت داخل بشقاب‌ی که در کاخ فرمانداری «هونزا» است، دارد و ارتباط تمدن باستانی چین و ایران و اعتقادات مذهبی ملت‌های شرق را می‌رساند. (صفحه ۶۳ را نگاه کنید)



شکل ۳۴

مدرسهء کاراتای در ترکیه

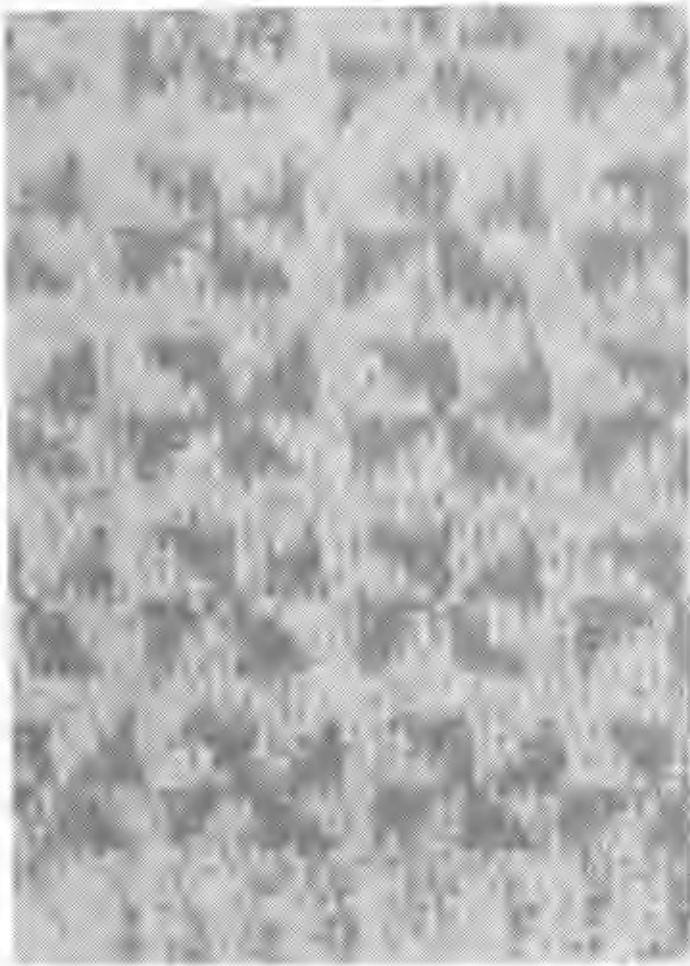
بطوریکه در دوسوی در ورودی دیده میشود نقش گردونهء خورشید

در این آثار اسلامی وجود دارد

۱۰- در دیلمان از بخش سیاهکل شهرستان لاهیجان که صنایع دستی زنان آن شال بافی است، جورابهایی می‌بافند که دارای نشانه  می‌باشد. ولی بارسم دوخط متقاطع (دو وتر) آن را به این شکل  در آورده‌اند. در دیلمان که مرکز دهستان دیلمان است آثار و نشانه‌ها و ساختمانهای قدیمی از قبیل آجر سوفال و راههای آب زیرزمینی و مانند آن دیده شده و این میرساند که در زمانهای گذشته آباد و پرجمعیت بوده است. شکل اخیر که به پروانه آسیاهای آبی و بادی شباهت دارد یادآور عناصر چهارگانه است که بر روی هم با گردش و چرخش خود نظام طبیعت را حفظ میکند و دگرگونی یا مرگ و زندگی بوجود می‌آورد. بافت این گونه جوراب‌ها با این شکل از زمانهای پیش مرسوم بوده و سابقه آن تا هشتاد سال قبل که پیران ده بیاد دارند میرسد^{۳۱} و این خود مبنائی است بر اینکه از روزگان دورتر بافتن این نقش در دهستان مزبور مرسوم بوده است.

۳۱- از سرکار سرگرد دیلمی بخاطر فراهم آوردن جوراب مزبور سپاسگزارم.

* تصاویر ۲۶ و ۲۷ از کتاب ابنیه و آثار تاریخی اسلام در شوروی می‌باشد.



شکل ۳۵
نقش جوراب بافت دیلمان

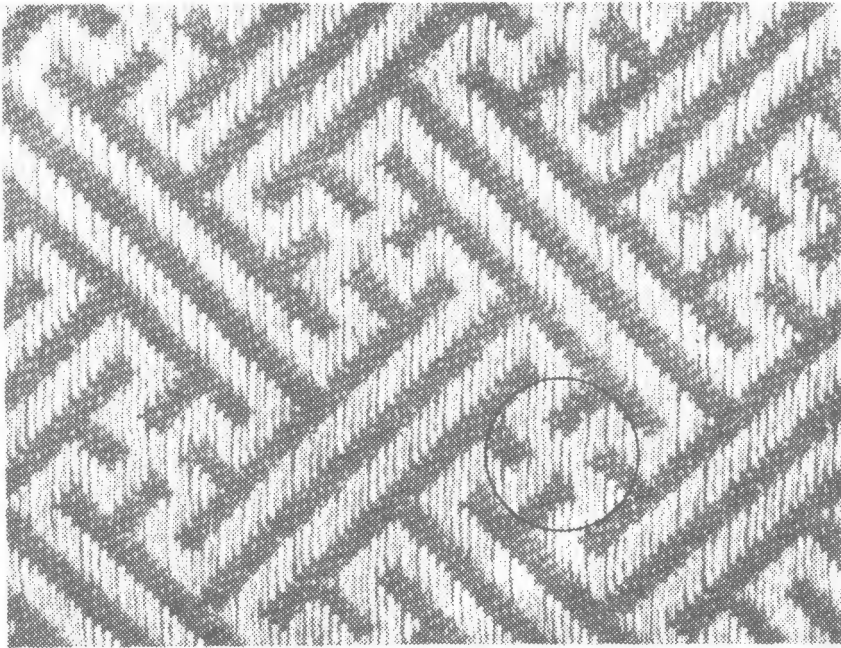
۱۱- در خانه وابسته نظامی ایران در پاکستان^{۳۲} تابلویی وجود دارد که کار کشور چین میباشد. متن نقاشی اژدهائی را نشان میدهد که با جانور دیگری در پیکار میباشد. حاشیه تابلو از پارچه‌ای پوشیده شده که سراسر با استفاده از نشانه  نقش و نگار گردیده است.



شکل ۳۶

تابلوی نقاشی کار چین

۳۲- از سرکار سرهنگ ستاد حسام‌الدین بیان وابسته نظامی ایران که با گشاده‌روئی تابلوی مزبور را در اختیار من گذاردند تا از آن عکس بگیرم سپاسگزارم.



شکل ۳۷

بخشی از حاشیهٔ پردهٔ نقاشی کار چین

۱۲- در کنار دامنه کوهساران هیمالیا در منطقه گیلگیت Gilgit ، هونزا Hunza و بالتستان Baltistan ، آثار تمدن و فرهنگ ایران دیده میشود . این منطقه با احتمال قوی بخشی از راه ابریشم را در بر می گرفته است . پاره ای از مردم

آنجا بزبان فارسی سخن میگویند. مردم هنرا پیروه شیخ سید عیسی و مهرنامه منطقه دیگر شیعی مذهب هستند. امیر هنرا بویژه زبان شیرین فارسی را خوب میدانند و با این زبان گفتگو میکنند.

در کاخ فرمانداری این منطقه بشقاب شکستهای وچهره دارد که بندهای فرماندار آقای اجلال حسین وهررد دیگری بنام هیون، بشقاب مزبور ساخت چین بوده و بیش از ششصد سال قدمت دارد. در وسط این بشقاب نقش گردونه مهر که البته زوائیدی نیز دارد دیده میشود.^{۳۳}

نشانه این بشقاب با نشانه‌های موجود در صفحه‌های ۵۳ و ۵۶ کتاب مقایسه شود.

۳۳- تصویر بشقاب و شرح مزبور را سرکار سرهنگ حسام‌الدین بیان واسسته نیروهای مسلح شاهنشاهی در تیرماه ۱۳۵۲ برای من فرستاده‌اند.



شکل ۳۸